

# پیش‌بینی روابط فرا زناشویی از روی سبک‌های دلبستگی، عزت نفس و میزان خودشیفتگی در بین دانشجویان متأهل

اکرم رضوانی زاده<sup>۱</sup>، انیسه اسلانی کتولی<sup>۲</sup>

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه علوم تحقیقات تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه علوم تحقیقات تهران، ایران (نویسنده مسئول [Anis.aslani@ut.ac.ir](mailto:Anis.aslani@ut.ac.ir))

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره اول، شماره دوم، آذر ۱۳۹۵، صفحات ۴۵-۳۶

## چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی روابط فرا زناشویی از روی سبک‌های دلبستگی، عزت نفس و خودشیفتگی بود. جامعه پژوهش حاضر دانشجویان متأهل دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبائی بود و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان و روش پژوهش ۳۵۷ نفر از دانشجویان متأهل بودند و روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های نگرش به خیانت، سبک دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید، عزت نفس کوپراسمیت و شخصیت خودشیفته استفاده شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا توان پیش‌بینی روابط فرا زناشویی در افراد را دارند و این توان در سطح  $P < 0/000$  معنادار بود. همچنین عزت نفس اجتماعی و خانوادگی نیز توان پیش‌بینی گرایش افراد به روابط فرا زناشویی را دارند که این توان در سطح  $P < 0/000$  معنادار است. میزان خودشیفتگی نیز در سطح  $P < 0/02$  گرایش افراد به روابط فرا زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. سبک‌های دلبستگی ناایمن و عزت نفس آسیب‌دیده و پایین و همچنین خودشیفتگی از عواملی هستند که می‌توانند گرایش افراد به روابط فرا زناشویی را پیش‌بینی نمایند؛ و روانشناسان و مشاوران می‌توانند برای تشخیص این آسیب‌های پیش رو از آزمون‌های روانشناختی برای سنجش این متغیرها در زوجین استفاده نمایند تا مداخلات مناسبی را ترتیب دهند.

**کلید واژه‌ها:** روابط فرا زناشویی، سبک‌های دلبستگی، عزت نفس، خودشیفتگی

## مقدمه

روابط فرا زناشویی<sup>۱</sup> به معنای برقراری رابطه جنسی با فردی غیر از همسر می‌باشد، این عمل یک حادثه آسیب‌زا و تکان‌دهنده بین فردی برای شریک زندگی آسیب‌دیده است ولی متأسفانه به میزان زیادی در ازدواج‌ها رخ می‌دهد (لومن، کائون، میکائیل، میکائیلز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴). لوسترمن<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) معتقد است خیانت زمانی اتفاق می‌افتد که یکی از زوجین بر این باور باشد که زندگی او وفادارانه و تک‌همسری است در صورتی که زوج دیگر به‌طور پنهانی این پیمان را شکسته باشد. در سال‌های اخیر تعریف روابط فرا زناشویی بسط یافته است و حوزه گسترده‌تری از رفتارها را شامل می‌شود. به‌عنوان نمونه این مقوله می‌تواند رفتارهایی مانند داشتن رابطه نامشروع، فریب دادن، آمیزش جنسی، دیدن پورنوگرافی، صمیمیت فیزیکی زیاد با فردی دیگر غیر از همسر مانند گرفتن دست‌ها و نوازش کردن و حتی صمیمیت عاطفی فراتر از روابط دوستانه‌ی معمولی با فردی غیر از همسر را دربرگیرد؛ بنابراین می‌توان هر رفتاری را به‌که به نقض پیمان ازدواج میان دو نفر منجر می‌شود تحت عنوان روابط فرا زناشویی طبقه‌بندی کرد (هرتلین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). در یک طبقه‌بندی رایج، دو نوع خیانت معرفی شده است: خیانت جنسی و خیانت عاطفی. خیانت جنسی؛ خیانت جنسی عبارت است از ارتباط جنسی خارج از ازدواج با فرد دیگر، بدون اطلاع و یا رضایت همسر (هرتلین، ۲۰۰۵). خیانت عاطفی؛ برخلاف مؤلفه‌های فیزیکی که در خیانت جنسی به کار می‌رود، خیانت عاطفی توسط مؤلفه‌های عاطفی مانند صمیمیت و دل‌بستگی عاطفی با فردی دیگر به غیر از همسر، توصیف می‌شود. خیانت عاطفی زمانی اتفاق می‌افتد که منابعی نظیر توجه، وقت و عشق رمانتیک به فرد دیگری غیر از همسر معطوف می‌شود. از جمله نمودهای صمیمیت عاطفی فهم، درک و همراهی و دیگر جلوه‌های روابط نزدیک است (شاکلفورد و باس، ۱۹۹۷). علاوه بر ویژگی‌های درون ازدواج، ویژگی‌های شخصیتی افراد در گرایش به روابط فرا زناشویی نقش دارد. از جمله این صفات شخصیتی می‌توان به خودشیفتگی، سبک‌های دل‌بستگی و عزت نفس اشاره کرد. صفت خودشیفتگی؛ افراد خودشیفته بیشتر احتمال دارد روابط فرا زناشویی شوند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که عشق‌بازی از جمله ویژگی‌های افراد خودشیفته است. افرادی که به آرام کردن من ضعیف و بدکارکردی روانی و تقویت عزت نفس نیاز دارند، این افراد در دیدن موانع خیانت ناتوان هستند، زیرا آن‌ها تنها قادرند که نیازهای خودشان را

1 . extramarital relationships  
 2. Laumann, Gagnon, Michael, Michaels  
 3 . Lusterman  
 4 . Hertlein

بینند و فکر می‌کنند هیچ دلیلی مبنی بر برآورده نشدن این نیازها وجود ندارد، حتی اگر دیگران در این فرایند آسیب ببینند (جنیفر، ۲۰۰۹). هانیدی<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) تأکید نموده‌اند که افراد خودشیفته به دلیل اینکه خود را قربانیان جنسی می‌دانند، به احتمال بیشتری در روابط عاطفی با همسر فریب‌کاری می‌نمایند و هنگامی که از آن‌ها خواسته می‌شود در مورد قربانی شدن صحبت کنند دیدگاه سهل‌گیرانه نسبت به خیانت نشان می‌دهند (کارداکتز، ۲۰۰۹). حوزه‌ی دیگری که در ارتباط با روابط فرا زناشویی توجه روبه‌رشدی را به خود معطوف کرده، نظریه دلبستگی است. دلبستگی، یک پیوند عاطفی است که افراد را نسبت به پایداری در روابط متعهد می‌کند. مسائل مربوط به دلبستگی، جنبه‌های مختلف روابط فرد از جمله بعد عاطفی (مک اولینسر و شیور، ۲۰۰۵)، تحمل فشارهای روانی (کالینز و فینی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰) و رفتار مراقبتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالعات مختلف در حوزه‌ی خیانت بیانگر آن است که افراد با سبک دلبستگی ایمن کمترین تمایل را به روابط فرا زناشویی دارند زیرا از بودن در رابطه زناشویی‌شان احساس آرامش و اطمینان دارند که این خود به‌عنوان یک مانع بزرگ و محکم در برابر خیانت زناشویی عمل می‌کند. از طرفی افراد با سبک دلبستگی ناایمن و اجتنابی بیشترین کشش را به داشتن روابط فرا زناشویی دارند (پلات، نالبون، کانسوا و تچلر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). آلن و باکوم<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) بر این باورند که سبک‌های دلبستگی خاص مانند اجتنابی و اضطرابی با انگیزش برای خیانت در ارتباطند. همچنین افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی و به‌خصوص زنان به احتمال بیشتری درگیر خیانت می‌شوند (بوگارت و سداوا، ۲۰۰۲). افراد با سبک دلبستگی اضطرابی-اجتنابی نسبت به افراد دیگر به احتمال بیشتری به پاسخ‌های فعالانه، خصومت و انتقام اقدام می‌نمایند. ویژگی این سبک دلبستگی این می‌باشد که فرد احساس می‌کند افراد دیگر نیازهای وی را ارضا نمی‌کنند، بنابراین پایان بخشیدن به ارتباط با همسر منطقی به نظر می‌رسد. افراد با سبک دلبستگی اضطرابی به شدت در روابط سرمایه‌گذاری می‌نمایند و خود ارزشمندی آن‌ها وابسته به همسر و ارتباط با همسرشان می‌باشد (دونوان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). در سبک دلبستگی دوسوگرا افراد روابط سردی با دوستان و اطرافیان دارند و قادر به خود افشایی نمی‌باشند این افراد با اجتناب از روابط نزدیک شناخته می‌شوند و دید مطلوبی نسبت به تنهایی دارند. یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که می‌تواند در گرایش به روابط فرا زناشویی نقش داشته باشد عزت نفس می‌باشد. افراد با عزت نفس پایین بیشتر احتمال دارد در روابط فرا زناشویی قرار بگیرند، زیرا آن‌ها از خیانت

1. Hunyday  
 2. kulinz&feini  
 3. Platt, Nalbone, Cosaneva, Wetchler  
 4. Alein&Bakoom  
 5. Donovan

به‌عنوان راهی برای افزایش عزت نفس خود استفاده می‌کنند. افرادی که عزت نفس ندارند، محکم نیستند، نمی‌توانند «نه» بگویند و برای شخصیت خود احترامی قائل نیستند و به همین نسبت مستعد خیانت کردن به همسر خود هستند (جنیفر و<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). این دسته از افراد به دنبال رابطه‌هایی خارج از سیستم خانواده می‌گردند تا خودشان را اثبات کنند؛ بنابراین ویژگی‌های شخصیتی افراد در گرایش به روابط فرا زناشویی نقش دارد و هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی روابط فرا زناشویی از روی سبک‌های دلبستگی، عزت نفس و میزان خودشیفتگی در بین زوج‌های دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشد.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه‌ی پژوهش حاضر دانشجویان متأهل دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشد؛ و حجم نمونه با توجه به جدول مورگان ۳۵۷ نفر از دانشجویان متأهل می‌باشند. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند می‌باشد برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های نگرش به خیانت، سبک دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید، عزت نفس کوپراسمیت و شخصیت خودشیفته استفاده شد.

**پرسشنامه نگرش به خیانت:** این مقیاس توسط واتلی (۲۰۰۸) طراحی شد. این پرسشنامه افکار فرد نسبت به مقوله خیانت را مورد بررسی قرار می‌دهد و ۱۲ آیتم دارد. واتلی ثبات درونی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آورد.

**پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید:** کولینز و رید (۱۹۹۰) نشان دادند که زیر مقیاس‌های سبک ایمن، اجتنابی و اضطرابی به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۰، ۰/۸۳ که مقادیر آلفای کرونباخ است و از اعتبار بالایی برخوردارند. همچنین پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار این آزمون را در سطح ۰/۹۵ بعد از آزمون مجدد اعلام کرد.

**پرسشنامه شخصیت خودشیفته (NPI):** محمدزاده (۱۳۸۸) این پرسشنامه را در یک مطالعه زمینه‌یابی مقطعی مورد آزمون قرار داد. ضریب همبستگی بین نمرات پرسشنامه‌ی شخصیت خودشیفته NPI-16 و مقیاس خودشیفتگی میلون ۲ برابر با ۰/۷۷ و معنی‌دار بود. ضریب پایایی باز آزمایی، ضریب همبستگی در تعیین پایایی و ضریب آلفای کرونباخ در سنجش همسانی درونی به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۴ و ۰/۷۹ محاسبه شده است.

پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت (SEI): این مقیاس دارای پنج مقیاس، عزت نفس عمومی، اجتماعی، شغلی و دروغ‌سنج است. در تحقیق فتحی آشتیانی (۱۳۸۳) میانگین و انحراف معیار این پرسشنامه برای دانش‌آموزان دبیرستانی به ترتیب ۳۴/۷۶ و ۸/۴۷ گزارش شده است.

## یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به روش پژوهش حاضر از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی از شاخص‌های پراکندگی (میانگین و انحراف معیار) و در بخش آمار استنباطی از ضریب همبستگی و رگرسیون استفاده گردید.

۱. جدول آمار توصیفی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
سن	۳۵۷	۲۸/۳	۲/۱
جنس	۳۵۷	۱	۰/۵۰
شخصیت خودشیفته	۳۵۷	۲۲/۹	۴/۳
عزت نفس	۳۵۷	۳۳/۱	۷/۶
سبک‌های دلبستگی	۳۵۷	۲۱/۲	۷/۴
نگرش به خیانت	۳۷۵	۱۲/۱	۳/۳

مندرجات جدول فوق شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) را نشان می‌دهد.

۲. جدول ضرایب همبستگی

متغیر	دلبستگی ایمن	دلبستگی اجتنابی	دلبستگی دو سوگرا	خودشیفتگی
نگرش به خیانت	-۰/۸۳۲	۰/۷۴۶	۰/۶۱۷	۰/۴۸۰
معناداری	**۰/۰۰۰	**۰/۰۰۰	**۰/۰۰۱	*۰/۰۲
تعداد	۳۵۷	۳۵۷	۳۵۷	۳۵۷
متغیر	عزت نفس کلی	عزت نفس اجتماعی	عزت نفس خانوادگی	عزت نفس تحصیلی
نگرش به خیانت	۰/۳۴۱	۰/۴۸۹	۰/۸۸۳	۰/۱۳۷
معناداری	*۰/۰۳	**۰/۰۱	**۰/۰۰۰	۰/۰۷
تعداد	۳۵۷	۳۵۷	۳۵۷	۳۵۷

معناداری در سطح ۰/۰۱ \*\* معناداری در سطح ۰/۰۵ \*

مندرجات جدول فوق نشان می‌دهد که بین نگرش به خیانت و سبک دلبستگی ایمن همبستگی منفی و معکوس وجود دارد که این همبستگی در سطح  $P > 0/000$  معنادار می‌باشد به عبارت دیگر هر چقدر سبک دلبستگی در افراد بالاتر باشد میزان نگرش به خیانت نیز منفی‌تر و پایین‌تر است. همچنین مندرجات جدول نشان می‌دهد که بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه مثبت و معنادار وجود دارد که این معناداری به ترتیب در سطح  $P > 0/000$  و  $P > 0/001$  می‌باشد. در واقع هرچه میزان سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا در بین افراد بالاتر باشد نگرش به خیانت نیز مثبت‌تر است. همچنین جدول فوق نشان می‌دهد که بین نگرش به خیانت و خودشیفتگی رابطه مثبت و معنادار در سطح  $P > 0/02$  وجود دارد؛ به عبارت دیگر هرچقدر میزان خودشیفتگی بالا باشد نگرش نسبت به خیانت نیز مثبت‌تر است. همچنین مندرجات جدول نشان می‌دهد که بین عزت نفس کلی، اجتماعی و خانوادگی با نگرش به خیانت همبستگی مثبت و معنادار به ترتیب در سطح  $P > 0/03$ ،  $P > 0/01$ ،  $P > 0/000$  وجود دارد.

جدول تحلیل رگرسیون چندگانه

متغیر	R	R 2	ضریب بتا	t	معناداری
دلبستگی ایمن	0/791	0/626	0/77	0/23	0/54
دلبستگی اجتنابی	0/589	0/421	0/81	4/03	**0/000
دلبستگی دوسوگرا (اضطرابی)	0/891	0/702	0/72	5/055	**0/000
عزت نفس کلی	0/391	0/233	0/54	0/44	0/08
عزت نفس اجتماعی	0/759	0/592	0/75	8/09	**0/000
عزت نفس خانوادگی	0/803	0/711	0/86	6/03	**0/000
عزت نفس تحصیلی	0/220	0/103	0/39	0/59	0/07
خودشیفتگی	0/655	0/502	0/74	3/03	*0/02

متغیر وابسته: نگرش به خیانت متغیرهای پیش‌بین: دلبستگی، عزت نفس، خودشیفتگی

مندرجات جدول تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا گرایش به روابط فرا زناشویی را در سطح  $P > 0/000$ ،  $\beta = 0/81$ ،  $\beta = 0/72$  پیش‌بینی می‌کند به عبارت دیگر افرادی که سبک دلبستگی آن‌ها اجتنابی و دوسوگراست میزان درگیر شدن آن‌ها در روابط فرا زناشویی بیشتر است. همچنین مندرجات جدول نشان می‌دهد که عزت نفس اجتماعی و خانوادگی گرایش به روابط فرا زناشویی را در سطح  $P > 0/000$ ،  $\beta = 0/75$ ،  $\beta = 0/86$  پیش‌بینی می‌کند به عبارت دیگر هر چه میزان عزت نفس اجتماعی و خانوادگی افراد پایین‌تر باشد احتمالاً درگیر شدن در روابط فرا زناشویی بیشتر است. خودشیفتگی

دیگر متغیری است که گرایش به روابط فرا زناشویی را در سطح  $P > 0.02$ ،  $\beta = 0.74$  پیش‌بینی می‌کند در واقع هر میزان خودشیفتگی در افراد بالاتر باشد گرایش به روابط فرا زناشویی نیز بیشتر خواهد بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا گرایش به روابط زناشویی را در سطح  $P > 0.01$  پیش‌بینی می‌کنند. همچنین عزت نفس اجتماعی و خانوادگی نیز گرایش به روابط زناشویی را در سطح  $P > 0.000$  پیش‌بینی می‌کنند؛ و خودشیفتگی نیز توان پیش‌بینی گرایش به روابط زناشویی را در سطح  $P > 0.02$  دارد. با توجه به اینکه دلبستگی، پیوند عاطفی است که افراد را نسبت به پایداری در روابط متعهد می‌کند و مسائل مربوط به آن جنبه‌های مختلف روابط فرد از جمله بعد عاطفی، تحمل فشارهای روانی و رفتار مراقبتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد بنابراین می‌تواند در پیش‌بینی روابط افراد خصوصاً در روابط زناشویی مهم باشد. مطالعات مختلف در حوزه خیانت بیانگر آن است که افراد با سبک دلبستگی ایمن کمترین تمایل را به روابط فرا زناشویی دارند زیرا از بودن در رابطه زناشویی احساس آرامش و اطمینان دارند که این عمل خود به‌عنوان مانع بزرگ و محکم در برابر خیانت زناشویی عمل می‌کند. از طرفی افراد با سبک دلبستگی ناایمن و اجتنابی بیشتری کشش را به داشتن روابط فرا زناشویی دارند. آلن و باکوم (۲۰۰۴) بر این باورند که سبک‌های دلبستگی خاص مانند اجتنابی و اضطرابی با انگیزش برای خیانت در ارتباطند. همچنین افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی یا دوسوگرا و خصوصاً زنان به احتمال بیشتری درگیر خیانت می‌شوند (بوگائرت و سداوا، ۲۰۰۲). افراد با سبک دلبستگی اضطرابی-اجتنابی نسبت به افراد دیگر به احتمال بیشتری به پاسخ‌های فعالانه، خصومت و انتقام اقدام می‌نمایند. ویژگی این سبک دلبستگی این می‌باشد که فرد احساس می‌کند افراد دیگر نیازهای وی را ارضا نمی‌کنند، بنابراین پایان بخشیدن به ارتباط با همسر منطقی به نظر می‌رسد. افراد با سبک دلبستگی اضطرابی به شدت در روابط سرمایه‌گذاری می‌کنند و خود ارزشمندی آن‌ها وابسته به همسر و ارتباط با همسرشان است. اشخاص با این سبک دلبستگی دیدگاه منفی نسبت به خود دارند و معتقدند که لایق محبت و توجه دیگران نمی‌باشند بنابراین روابط فعلی‌شان کیفیت پایینی دارد (دونوان، ۲۰۱۰). در سبک دلبستگی دوسوگرا افراد روابط سردی با دوستان و اطرافیان دارند و قادر به خود افشایی نمی‌باشند. این افراد با دوری از روابط نزدیک شناخته می‌شوند و دید مطلوبی نسبت به تنهایی دارند. سطح بالای اضطراب و دید منفی نسبت به خود باعث می‌شود که این افراد احساس تنها بودن نمایند. همین مسئله باعث می‌شود که دیدگاه مثبتی درباره‌ی روابط کنونی نداشته باشند و این عوامل منجر به پاسخ‌های مختل در روابط بین فردی آن‌ها می‌شود. نتایج تحقیقات گوررو، (۱۹۹۸) نشان داده است که افراد در روابط بین فردی به دو هدف مهم دست می‌یابند: « حفظ ارتباط و عزت نفس » و اقدام به خیانت به هر دو این اهداف آسیب می‌زند. به‌طور کلی افراد با سبک دلبستگی ایمن بعد از خیانت در پی بازسازی ارتباط و از طرفی حفظ و تداوم اعتماد به نفس می‌باشند در صورتی که افراد مضطرب بدون توجه به اعتماد به نفس در پی بازسازی رابطه می‌باشند (دونوان، ۲۰۱۰). نیز افراد با عزت نفس پایین بیشتر احتمال دارد در روابط فرا زناشویی قرار بگیرند، زیرا آن‌ها از خیانت به‌عنوان راهی برای افزایش

خود استفاده می‌کند. افرادی که عزت نفس ندارند، محکم نیستند، نمی‌توانند نه بگویند و برای شخصیت خود احترامی قائل نیستند به همین نسبت مستعد خیانت کردن به همسر خود هستند. گاهی فرد حتی اگر در شرایط ویژه‌ای قرار گیرد که امکان خیانت کردن به همسرش برای او فراهم باشد، باز هم خیانت نمی‌کند، چرا که شخصیتش به او چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد یا به دیگر ارزش‌های انسانی و چارچوب و اصولی که برای خود تعریف کرده، هرگز به او اجازه نمی‌دهد که خطا کند (جنیفر، ۲۰۰۹). در واقع افرادی که عزت نفس پایینی دارند و تصویر خوبی از خود در ذهن ندارند، برای آنکه عزت نفس‌شان را حفظ و تقویت کنند و به نوعی احساس منفی درونی‌شان را بهبود ببخشند، می‌کوشند از طریق رفتارهایشان نشان دهند عزت نفس‌شان بالاست و در این زمینه مشکلی ندارند در واقع این دسته از افراد به دنبال رابطه‌هایی خارج از سیستم خانواده می‌گردند تا خودشان را اثبات کنند. همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که خودشیفتگی نیز با نگرش به خیانت ارتباط مثبت و معنادار دارد و توان پیش‌بینی گرایش به روابط فرا زناشویی را دارد. افراد خودشیفته بیشتر احتمال دارد روابط فرا زناشویی شوند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که عشق‌بازی از جمله ویژگی‌های افراد خودشیفته است. افرادی که به آرام کردن من ضعیف و بدکارکردی روانی و تقویت عزت نفس نیاز دارند (بانک و دریل، ۱۹۸۹). این افراد در دیدن موانع خیانت ناتوان هستند، زیرا آن‌ها تنها قادرند که نیازهای خودشان را ببینند و فکر می‌کنند هیچ دلیلی مبنی بر برآورده نشدن این نیازها وجود ندارد، حتی اگر دیگران در این فرایند آسیب ببینند (جنیفر، ۲۰۰۹). مارف (۲۰۰۰) معتقد است یک دلیل برای این موضوع که افراد خودشیفته تمایل بیشتری به بی‌وفایی و خیانت دارند، این است که آن‌ها از چیزی به‌عنوان «آسیب‌های خودشیفتگی رنج می‌برند. هنگامی که آن‌ها در دوران ادیپال احساس عشق و دوستی داشته‌اند، بازنده شده و شکست‌خورده‌اند، بنابراین احتمال بیشتری وجود دارد که این احساس اولیه خیانت از سوی والدینشان را به وسیله‌ی اقدام عملی به این کار در بزرگسالی، تلافی کنند (کارداکتز، ۲۰۰۴). هانیدی و همکاران (۲۰۰۸) تأکید نموده‌اند که افراد خودشیفته به دلیل اینکه خود را قربانیان جنسی می‌دانند، به احتمال بیشتری در روابط عاطفی با همسر فریب‌کاری می‌نمایند و هنگامی که از آن‌ها خواسته می‌شود در مورد قربانی شدن صحبت کنند دیدگاه سهل‌گیرانه نسبت به خیانت نشان می‌دهند (کارداکتز، ۲۰۰۹). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های دلبستگی ناایمن و عزت نفس آسیب‌دیده و پایین و همچنین خودشیفتگی از عواملی هستند که می‌توانند گرایش افراد به روابط فرا زناشویی را پیش‌بینی نمایند؛ و روانشناسان و مشاوران می‌توانند برای تشخیص این آسیب‌های پیش رو از آزمون‌های روانشناختی برای سنجش این متغیرها در زوجین استفاده نمایند تا مداخلات مناسبی صورت پذیرد.



## منابع

- احمدزاده، ابراهیم (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان رضایت زناشویی و سلامت روانی در بین دبیران زن و مرد مقطع متوسطه شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت‌معلم تهران.
- کار، آلن (۱۳۸۴). خانواده‌درمانی: تحلیل روابط و تعارضات همسران. ترجمه: تبریزی. نشر مردنیز
- کاوه، سعید (۱۳۸۷). همسران و بی‌وفایی و خیانت. تهران: انتشارات سخن
- کریمیان؛ نادر، کریمی؛ یوسف، بهمنی؛ بهمن (۱۳۹۰). بررسی رابطه ابعاد سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده دانشگاه کردستان، ۱، ۲، ۲۴۳-۲۵۶.
- مؤمنی جاوید؛ مهرآور (۱۳۹۰). بررسی تأثیر مشاوره گروهی با رویکرد بین فردی بر بهبود روابط زناشویی آسیب‌دیده از خیانت‌های زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- مؤمنی جاوید؛ مهرآور، شعاع کاظمی؛ مهرانگیز (۱۳۹۰، الف). دیدگاه‌های نظری خیانت زناشویی و بهبود روابط با تأکید بر راهبردهای عملی مشاوره‌ای. تهران: انتشارات آوای نور.
- میرمحمد صادقی؛ مهدی (۱۳۸۴). آموزش پیش از ازدواج. تهران سازمان بهزیستی.
- Hertlein, M; Wetchletr.L&piercy.p.(2005). Infidelity: Anoverview. The Haworth press, Inc: 5-16.
- Hertlein, K.M .,Weeks, G. R., Gambescia. (2009) .Systematic Sex Therapy.New York . Taylor&Francis.
- Jeanfreau, M. (2009)A qualitative study investigating the decision- making process of women`s participation in marital infidelity .A thesis submitted in paritalfulfillment of the requirements for the degree of PHD.
- Kardaktaz, K .N. (2009).Perceived Stress, Adult Attachment, Dyadic Coping and MaritalSatisfaction of Counseling Graduate Students .Unpublished doctoral dissertation. Greensboro university.
- Kline SL ,Stanfford L. A comparison of rules and interaction frequency in relationship to marital quality.Communication report. 2004:17:11- 26
- Laumann, E .,Gagnon, J.H., Michael. R.T& .Michaels, S. (1994) .The socialorganization of sexuality .Chicago: University of Chicago Press.
- MacCarthy, B.(1999).Marital style and its` effects on sexual desire and functioning.JournalofFamilyPsychotherapy.10:1- 12.
- Markowitz ,J.C., (2010). IPT and PTSD.Deprssion and Anxiety.27, 879- 881.

